

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه تبریز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

**بررسی مصادیق کفر و ایمان
از دیدگاه عرفانی مولانا در مثنوی**

استاد راهنما:

دکتر اسماعیل شفق

استاد مشاور:

دکتر محمد آهی

نگارش:

مرضیه فعله گری

سال ۱۳۸۹

برای مهربانی‌های همسر و دخترم

سپاسگزاری

در مسیر نگارش این رساله، منت گزار این بزرگان بوده‌ام:

دکتر اسماعیل شفق (استاد راهنما)

که با راهنمایی‌های محققانه‌ی خویش، یاری‌ام کرد.

دکتر محمد آهی (استاد مشاور)

که در پیشبرد پایان‌نامه، مؤثر بود.



سپاس ویژه‌ام از آن همسر، تیمور آقامحمدی است که از آغاز تا انجام این رساله، گام‌به‌گام همراه بود.

بررسی مصادیق کفر و ایمان از دیدگاه عرفانی مولانا در مثنوی

مرضیه فعله‌گری

استاد راهنما: دکتر اسماعیل شفق

استاد مشاور: دکتر محمد آهی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی ارشد

چکیده

«کفر و ایمان»، از مفاهیم مورد بحث میان متکلمان، فلاسفه و عرفا بوده است. هریک از مشارب فکری - فلسفی با ملاحظه بخشی از معانی «کفر و ایمان» به تعریف آن دست یازیده‌اند. این رساله کوشیده است با تبیین نظرات قرآن و حدیث به تعاریف متکلمان، فلاسفه و عرفای گوناگون بپردازد. مولانا با نگاهی عرفانی به مقوله «کفر و ایمان» می‌نگرد. بررسی مصادیق کفر و ایمان از نگاه عرفانی مولانا در مثنوی، به نتایج خوبی انجامیده است. مولانا با نگاهی عارفانه - عاشقانه به «کفر و ایمان» می‌پردازد. این شاعر بزرگ زبان فارسی، به دو گونه کفر معتقد است: کفر مذموم و کفر محمود. کفر مذموم، پوششی است که به واسطه آن خدای را نمی‌بینند و کفر محمود، به سبب پوشیده شدن غیر خدای به واسطه عشق، راهی برای وصول به حضرت حق است. مولانا به سه نوع ایمان باور دارد: تقلیدی، تحقیقی (فلسفی) و شهودی (عاشقانه - عارفانه). ایمان تقلیدی مخصوص عوام، ایمان تحقیقی نگرش فلاسفه و ایمان شهودی ویژه عرفاست. تفاوت نگاه مؤلف مثنوی معنوی نسبت به دیگر عرفا، عاشقانه بودن آن است. مولانا در مثنوی معنوی با نگاه ترکیبی عارفانه - عاشقانه به «کفر و ایمان» می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: کفر، ایمان، مولانا، مثنوی، عشق.

فهرست

فصل اول

کلیات پژوهش	۱۰
۱-۱. مقدمه	۱۱
۲-۱. بیان مسأله	۱۱
۳-۱. سابقه و ضرورت پژوهش	۱۴
۴-۱. فرضیه‌ها و اهداف پژوهش	۱۵
۵-۱. روش تحقیق	۱۵

فصل دوم

تعاریف	۱۶
۱-۲. کفر	۱۷
۲-۲. کافر	۱۸
۳-۲. کفریات	۱۹
۴-۲. ایمان	۱۹
۵-۲. مؤمن	۲۳

فصل سوم

بازتاب کفر و ایمان در قرآن و حدیث	۲۵
۱-۳. ایمان و مؤمن	۲۶
۱-۱-۳. تفاوت اسلام و ایمان	۲۸
۲-۳. کفر و کفار	۲۹

فصل چهارم

۳۴	دیدگاه‌های گوناگون پیرامون کفر و ایمان
۳۵	۱-۴. کفر
۳۶	۱-۱-۴. دوگانگی تعریف
۳۷	۲-۴. ایمان
۳۷	۱-۲-۴. پنج نظر کلی
۴۱	۲-۲-۴. رابطه ایمان و اسلام
۴۴	۳-۲-۴. معتزله
۴۹	۴-۲-۴. مرجئه
۵۱	۵-۲-۴. اشاعره
۵۳	۶-۲-۴. کرامیه
۵۴	۷-۲-۴. صالحیه
۵۴	۸-۲-۴. شیعه
۵۷	۳-۴. کفر و ایمان در نگاه عرفا
۵۹	۱-۳-۴. ابوسعید ابی‌الخیر
۵۹	۲-۳-۴. ابن عربی
۶۰	۳-۳-۴. حلاج
۶۲	۴-۳-۴. امام محمد غزالی
۶۲	۵-۳-۴. ابوالحسن محمد بن عثمان هجویری
۶۳	۶-۳-۴. ابوالحسن شعرانی
۶۸	۷-۳-۴. عین‌القضات همدانی
۷۲	۸-۳-۴. محمود ایوب
۷۴	۹-۳-۴. ابوالحسن خرقانی
۷۴	۱۰-۳-۴. دیگر عرفا
۷۷	۴-۴. جمع‌بندی
۷۷	۱-۴-۴. دیدگاه سه‌گانه ایمان
۷۷	۲-۴-۴. دیدگاه دوگانه ایمان
۸۰	۳-۴-۴. دیدگاه سه‌گانه کفر

فصل پنجم

کفر و ایمان در مثنوی معنوی

- ۸۳.....
- ۸۴..... ۱-۵. مولانا جلال‌الدین بلخی.....
- ۸۵..... ۲-۵. مثنوی معنوی.....
- ۸۵..... ۳-۵. مصادیق کفر و ایمان در مثنوی معنوی.....
- ۸۵..... ۱-۳-۵. کفر.....
- ۸۶..... ۱-۱-۳-۵. کفر مذموم.....
- ۱۰۰..... ۲-۱-۳-۵. کفر محمود.....
- ۱۰۴..... ۳-۱-۳-۵. دیگر مباحث.....
- ۱۰۸..... ۲-۳-۵. ایمان.....
- ۱۱۰..... ۱-۲-۳-۵. ایمان تقلیدی.....
- ۱۱۳..... ۲-۲-۳-۵. ایمان تحقیقی (فلسفی).....
- ۱۱۴..... ۳-۲-۳-۵. ایمان شهودی (عاشقانه - عارفانه).....
- ۱۳۵..... ۴-۳-۳-۶. دیگر مباحث.....
- ۱۴۱..... ۴-۵. جمع‌بندی.....

منابع

- ۱۴۶.....
- ۱۴۷..... کتاب‌نامه.....

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

مثنوی معنوی، یکی از بزرگ‌ترین کتب عرفانی در زبان فارسی است. شاعر سترگ آن، جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولانا است. نگاه عرفانی این شاعر به جهان و از جمله به مقوله کفر و ایمان، نگاهی قابل تأمل به‌شمار می‌رود. از این روی، بررسی مصادیق کفر و ایمان از دیدگاه عرفانی مولانا در مثنوی، بحثی ضروری است.

۱-۲. بیان مسأله

کفر

در لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «کفر» آمده است: ناسپاسی کردن، انکار کردن و پوشاندن نعمت خداوند را، ناگرویدن به خدای تعالی و....

تعاریف گونه‌گونی از کفر ارائه شده که تجمیع آن‌ها عبارت است از: در ادب عرفانی، ظلمت عالم تفرقه را کفر گویند. نیز گفته‌اند: کفر، پوشیدن وحدت در کثرت است. برخی گفته‌اند: کفر حقیقی، فنای عبد است. کافر آن است که از مرتبه صفات و افعال نگذشته باشد.

کفر، پوشیدن کونین است بر دل خود و برگشتن از طاغوت نفس.

کفر سه نوع دارد: ۱- کفر عوام؛ که از سر تقلید و به سبب استضعاف فکری است. ۲- کفر خواص؛ که فرد کافر، حق را می‌بیند و راه راست را تشخیص می‌دهد ولی به خاطر حب دنیا و حفظ ریاستهای خود، حق را ندیده گرفته و منکر آن می‌شود.

۳- کفر منافقان؛ که در حقیقت یک نوع از کفر خواص است، زیرا منافقان نیز به سبب حب دنیا و حفظ منافع خود در ظاهر ادعای مسلمانی می‌نمایند هر چند در باطن منکر و کافر به حقند.

اهل عرفان نیز برای کفر سه مرتبه ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

۱- جهل به امام عصر، زیرا ایمان از جنس رابطه داشتن و دلبستگی است.

۲- عدم تبعیت و پیروی از امام عصر نیز نوعی از کفر است.

۳- مرتبه سوم از کفر عرفانی، ارتکاب معاصی و گناهان است.

عزالدین نسفی بحثی پیرامون «کفر مذموم» و «کفر محمود» مطرح می‌کند. «ای درویش! معنی مطابق کفر پوشش است، و پوشش بر دو قسم است. یک پوشش آن است که به واسطه آن پوشش خدای را نمی‌بینند و نمی‌دانند، و این کفر مبتدیان است، و این کفر مذموم است؛ دیگر پوشش آن است که به واسطه آن پوشش غیر خدای نمی‌بینند و نمی‌دانند، و این کفر متتهیان است، و این کفر محمود است.

”

” این آیت متناول هر دو کفر است. «(۱۳۸۱: ۱۰۶-۱۰۵)

با بررسی شش دفتر مثنوی معنوی مولانا، مشخص می‌شود که نگاه عرفانی ابن شاعر به نظرگاه عزالدین نسفی بسیار نزدیک است؛ مولانا با پیش کشیدن مسأله «عشق»، نگاهی عاشقانه-عارفانه به هستی دارد. وی کفری که سبب دیده‌نشدن خدا می‌شود را ناپسند شمرده و کفری که سبب دیده‌نشدن همه خلق و تنها دیده‌شدن خدا می‌شود را می‌پسندد. او عاشقانه چشم بر غیر یار (خلق) می‌بندد و تنها یار (خدا) را می‌بیند.

این رساله، با ملاک قراردادن نگاه عاشقانه-عارفانه مولانا، به بحث پیرامون کفر می‌پردازد.

ایمان

ایمان نیز از مواردی است که درباره آن سخن بسیار گفته‌اند؛ ایمان، اعتقاد قلبی به کسی یا چیزی است. خواجه نصیرالدین گوید: ایمان در لغت، تصدیق باشد، یعنی باورداشتن، و در عرف اهل تحقیق، تصدیقی خاص باشد و آن تصدیق بود به آن چه علم قطعی به آن حاصل است و پیغمبر (ص) فرموده است.

ایمان، واژه کلیدی دین اسلام که خود و مشتقات آن در صدها آیه از قرآن مجید تکرار شده است.

می‌توان چهارگونه تعریف اصلی برای ایمان در میان انواع گروه‌ها دسته‌بندی کرد: ۱. ایمان عبارت است از تصدیق قلبی به آورده‌های پیامبر اسلام (ما جاء به النبی) (ایمان شهادت گرایانه). ۲. ایمان تبعیت عملی از یافته‌های عقل و آورده‌های پیامبر اسلام در باب خداوند و نبوت و خوب و بد اخلاقی است (ایمان عمل گرایانه). ۳. ایمان عین معرفت فلسفی به خداوند و سایر حقایق هستی است (ایمان معرفت گرایانه). ۴. ایمان رویکردی با تمام وجود به سوی خداوند است (ایمان تجربیت گرایانه). متکلمان اشاعره شاخص‌ترین طرفدار تعریف اول هستند. تعریف دوم را متکلمان معتزله و همفکران آن‌ها به میان آورده‌اند؛ تعریف سوم را فیلسوفان مسلمان مطرح کرده‌اند و تعریف چهارم را عارفان مسلمان بیان نموده‌اند.

عارفان مسلمان در مقام بیان حقیقت ایمان از گونه‌ای تجربه معنوی سخن گفته‌اند. در تعریف‌های آنان از ایمان اینگونه تعبیرات دیده می‌شود: «ایمان اقبال به خداوند است»، «ایمان عبادت کردن خدا از روی حُبّ و شوق است»،

«ایمان محافظت سرّ توحید است»، «ایمان مشاهده با نوریقین است»، «ایمان دریایی است که دریاها را در خود فرو می‌برد»، «ایمان کشف عالم غیب است که چون مرکبی شخص مؤمن را به حضور قدسیان می‌برد»، «ایمان نوری است که بر عقل رجحان دارد و آنچه را با عقل نمی‌توان درک کرد، با ایمان می‌توان یافت» و سرانجام «ایمان سکون و استقرار قلب و اطمینان نفس است.» لازمه ایمان ترس از خدا، امیدواری به فضل او، اشتیاق قرب او، تعظیم تعظیم کنندگان او، بی‌اعتنایی به بی‌اعتنایان به او، راضی بودن به قضای او، حذر کردن از مکر او، شکرگزاردن به نعمتهای او، توکل بر او و تسبیح یا ستایش اوست.

تقسیم‌بندی دیگری نیز مطرح شده است:

۱- ایمان تقلیدی و عامیانه؛ _____ . (ملک، ۱۰)

۲- ایمان تحقیقی و عالمانه (فلسفی)؛ _____ . (همان)

۳- ایمان شهودی (عارفانه)؛ (فصلت، ۵۳) و

(بقره، ۱۱۵).

با بررسی اشعار مولانا روشن می‌شود که مصادیق ایمان مندرج در **مثنوی معنوی** مطابق تقسیم‌بندی اخیر است. بنابراین، با توجه به آرای مذکور، این رساله، می‌کوشد به بررسی مصادیق کفر و ایمان از نظرگاه عرفانی مولانا در مثنوی بپردازد.

۱-۳. سابقه و ضرورت پژوهش

با بررسی‌های انجام شده، این نتیجه حاصل شد که تاکنون پژوهش کامل و اقناعی که به جنبه‌های عرفانی موضوع پرداخته شده باشد، صورت نگرفته است. با توجه به حساسیت موضوع و نیز تکرر قرائت، تلقی و برداشتی که متشرعین، متکلمین، عرفا و فقها از مفاهیم کفر و ایمان داشته‌اند، پرداختن به این موضوع، بسیار ضروری و روشنگر خواهد بود. برای رسیدن به تعاریف صریح و مصادیق دقیق، نیازمند پژوهش دقیق در این باره هستیم.

۱-۴. فرضیه‌ها و اهداف پژوهش

۱. دیدگاه مولانا درباره کفر و ایمان چیست؟

۲. چه چیزهایی کفر و چه چیزهایی ایمان محسوب می‌شود؟

۳. وجوه اشتراک و افتراق او با سایر عرفا، در باب مسأله کفر و ایمان کدام است؟

۴. دیدگاه متکلمین، مفسرین قرآن کریم و فلاسفه در این مورد چگونه بوده است؟

۵. آیا نوع نگاه مولانا به مفاهیم کفر و ایمان، بر دیگر شاعران و عرفا تأثیرگذار بوده است؟

۶. مصادیق دقیق کفر و ایمان، در آثار این شاعر کدام است؟

۷. با مقایسه و تحلیل دیدگاه عرفانی مولانا، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

هدف: رسیدن به صورتی علمی و دقیق از تعاریف و کاربرد «کفر» و «ایمان» در مثنوی معنوی و تبیین

درست مفاهیم و مقایسه تطبیقی میان آرای این شاعر بزرگ ادبیات فارسی با دیگر عرفا.

۱-۵. روش تحقیق

تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است؛ پس از فیش‌برداری از منابع مورد نیاز، یادداشت‌ها به رشته تحریر

درخواهد آمد. با توجه به موضوع رساله (کفر و ایمان) رجوع به کتاب‌های علم کلام و عرفانی، امری

ضروری بود. بنابراین افزون بر رجوع به متون مذهبی و کلامی، به آثار عرفانی نیز توجهی خاص شده

است. برای نگارش رساله پیش روی، بالغ بر ۲۰۰ منبع دست اول از نظر گذشته و از این میان به ۴۷ منبع

مورد استفاده قرار گرفته است.

فصل دوم

تعاریف

ورود به هر بحثی، نیازمند تعریف موضوعات مورد بحث است. نخست باید تلقی خود از «کفر» و «ایمان» را مشخص ساخته، سپس با تکیه بر آن بر سر بحث‌های خود رفت.

۲-۱. کفر

در لغت‌نامه دهخدا/ ذیل «کفر»، با مفاهیمی چون «ناسپاسی کردن، انکار کردن و پوشاندن نعمت خداوند را، ناخستو شدن، ناگرویدن به خدای تعالی، ضد ایمان آوردن، بی‌دینی، بی‌اعتقادی به اسلام، از دینی به جز اسلام پیروی کردن» روبه‌رو می‌شویم.

دیدگاه‌های گوناگونی درباره «کفر» مطرح شده است که در فصل‌های بعدی بدان اشاره خواهد شد. در این جا تنها، تعاریف مندرج در فرهنگ‌ها و کتاب‌های عرفانی ذکر می‌شود.

کریم زمانی می‌نویسد: «کفر از نظر اصطلاحی، مقابل ایمان است و مراد از آن، انکار و پوشاندن حقیقت است، خواه از روی جهل باشد یا از روی عناد.» (۱۳۸۲: ۶۱۵)

در فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی چنین آمده است: «در ادب عرفانی، ظلمت عالم تفرقه را کفر گویند. نیز گفته‌اند: کفر، پوشیدن وحدت در کثرت است. برخی گفته‌اند: کفر حقیقی، فناى عبد است.» (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۶۵)

دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی ذیل «کفر» آورده است: «در لغت: کفر، نقیض ایمان و در لغت به معنی: انکار خداوند متعال و نعمت‌های او، پوشاندن، خودداری از پذیرش حق و عصیان. نیز: کفر نعمت، نقیض شکر است به معنی پوشاندن ارزش نعمت.» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۸۸۴)

فرهنگ نظام نیز سعی در تعریف «کفر» داشته است: «۱. نه گرویدن ۲. نه گرویدن به خدا و پیغمبر او مقابل ایمان ۳. انکار نعمت کسی خصوص نعمت خدا که فارسی‌اش ناسپاسی است.» (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲: ج ۴، ۲۶۰) در ادامه سه مثال نیز برای آن آورده است: «امثال: ۱. از کفر ابلیس مشهورتر است؛ ۲. نقل کفر کفر نباشد؛ ۳. چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمان.» (همان)

۲-۲. کافر

«کافر»، کننده «کفر» است و «اسم فاعل کافر و جمع آن کفار، کافرون و کفرهاست. کَفَرًا: آنرا پوشاند، از آن درگذشت (بخشید)، به او نسبت کفر داد. زارع را از آن جهت که بذرها را در زیر خاک پنهان می‌کند کافر گویند.» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۸۸۴)

در نظر صوفیه، «کافر آن است که از مرتبه صفات و اسماء و افعال نگذشته باشد.» (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۶۵) کریم زمانی می‌آورد: «کُفر در لغت به معنی پوشاندن است از این‌رو در آیه ۲۰ سوره حدید، زارع را کافر می‌گویند زیرا او دانه‌ها را در دل خاک می‌پوشاند.» (۱۳۸۲: ۶۱۵)

تعریف دیگری نیز از این اصطلاح شده است: «کافر- ناسپاس، کفران‌کننده، کسی که پیرو دین حق نباشد، بی‌دین، بی‌ایمان، ناگرونده، ج کفار، کفره، کافرین، ستمگر، ظالم، شوخ، پوشاننده، پنهان.» (سعیدی، ۱۳۸۳: ۶۴۵)

۲-۳. کفریات

اصطلاحی است که در مقابل اسلام رسمی به کار می‌رود؛ این موضوع که برگرفته از ادیان غیراسلامی است به واقعیتی عرفانی (درون‌گرایی) اشاره دارد. «کفریات، که استعاره‌های برگرفته از مذاهب غیراسلامی - ستایش اصنام، برهمنیان، مسیحیان و مجوسان - را به کار می‌گیرد، اغلب به‌عنوان بهانه‌ای برای بزرگداشت باطن‌گرایی در ادبیات فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. به گفته بوسانی، چنین کفریاتی را نباید همیشه به لفظ ظاهری فرض کرد، بلکه باید "صرفاً به‌عنوان نمادهایی از چیزی در نظر گرفت که با اسلام رسمی در تضاد است؛ در اشعار تغزلی، کفریات نمادی از واقعیتی عرفانی، عمیق‌تر از هر مذهب ظاهری است."» (لوین، ۱۳۷۹: ۳۶۷)

۲-۴. ایمان

داعی‌الاسلام ذیل «ایمان» می‌آورد: «ایمان- گرویدن و قبول کردن و تصدیق نمودن- مثال؛ من به زیرکی شام ایمان آوردم. مثال دیگر- دیروز یک نفر یهودی به پیغمبر اسلام ایمان آورد. با لفظ آوردن

(ایمان آوردن) استعمال می‌شود. مثل‌های لفظ ایمان. ۱. آدم گرسنه ایمان درستی ندارد؛ ۲. نه مار دارد که دیوان ببرد و نه ایمان دارد که شیطان ببرد.» (۱۳۶۲: ج ۱، ۵۱۹-۵۱۸)

دایره‌المعارف تشیع نیز این معانی را ذکر کرده است: «ایمان، از باب افعال ماده "امن" (آمن، یؤمن، ایماناً) در لغت به معنی گرویدن، ایمن گردانیدن و باورداشتن است و در اصطلاح متکلمان، ایمان بر پنج معنی اطلاق می‌گردد: کار دل، کار زبان، کار دل و زبان، کردار نیک (= طاعات) و آمیزه‌ای از کار دل و زبان و کردار نیک. متکلمان امامیه معنای دوم (= کار زبان) و چهارم (= کردار نیک) را مردود دانسته و دیگر معانی را مورد تأیید قرار داده‌اند.» (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۶۵۴)

در معنای «ایمان» در **دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی** نیز چنین آمده است: «ایمان (وجوه و نظایر)، ایمان از ریشه "آمن" و مصدر باب افعال است: آمن، یؤمن، ایماناً. الایمان: التصدیق.» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۳۳)

سید جعفر سجادی «ایمان» را «اعتقاد قلبی به کسی یا چیزی» می‌داند (۱۳۷۰: ۱۷۱) و از قول خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: «ایمان در لغت تصدیق باشد، یعنی باورداشتن. و در عرف اهل تحقیق تصدیقی خاص باشد و آن تصدیق بود به آنچه علم قطعی به آن حاصل است و پیغمبر - علیه‌السلام - فرموده است. و معرفت پیغمبر منفک نباشد از معرفت پروردگار قادر، عالم حی، مدرک، سمیع، بصیر، مرید، متکلم که پیغمبر را فرستاده است، و قرآن به محمد مصطفی - صل الله علیه و آله - فرستاده و احکام فرایض و سنن و حلال و حرام، بر وجهی که همه امت را بر آن اجتماع باشد بیان فرموده است.» (همان)

پس از تأکید بر قابل زیادت و نقصان نبودن ایمان، می‌گوید: «چه اگر کمتر از این باشد، ایمان نباشد و اگر زیادت از این باشد آن زیادت کمال ایمان بود و مقارن ایمان و نشان او باورداشتن آن می‌باشد که آنچه دانستنی و گفتنی و کردنی باشد، بداند و بگوید و بکند. و آنچه از آن احتراز فرموده